



عکس از نعیم احمدی / ایران ورزشی / Nimi. Ahmadi

فینال غیرمنتظره

فینال جام حذفی همه چیز در دل خود داشت، از گل‌های فراوان، کری‌های هیجان‌انگیز، فریادهای بی‌محابا و خشم‌های فروخورده و در نهایت قهرمانی تراکتور. فینال حذفی لبالب از حوادث جذاب و اتفاقات غیرمنتظره بود که البته نتیجه‌ای خلاف پیش‌بینی‌های روتین داشت تا بازی متفاوتی را شاهد باشیم. پرونده امروز این بازی را بررسی می‌کند.

فینال جام حذفی در ۴ پرده

از دشمن فرضی تا فوتبال بحرینی

سام ستارزاده

نمایش ساکت الهامی علیه کوشش خودش

برای فوتبال بازی نکردن مربیگری نکنید

فرشاد کاس نژاد / Farshadcasnejad

فوتبال بود. مربیان وقت فوتبال را در میدان هدر نمی‌دهند، بلکه باید برای هر کاری و هدفی در جریان بازی، نوعی از فوتبال را نمایش دهند. هدر دادن وقت فوتبال، فوتبال نیست، بلکه تسمخه فوتبال است. مربی برای نمایش فوتبال مربیگری می‌کند و انتخاب با اوست که چه جنس فوتبالی را برای هر بازی و هر دقیقه از هر بازی انتخاب کند اما مربی برای فوتبال بازی نکردن مربیگری نمی‌کند. ساکت الهامی عمری را بی مربیگری ندیده است که به فوتبال بازی نکردن برسد. برای بازی نکردن، هیچ کوششی لازم نیست. او عمری را برای مربیگری گذرانده تا در مهم‌ترین فینال عمر مربیگری‌اش، تصویری از ایده و نگاهش در فوتبال را نشان دهد. کاری که ساکت در فینال با خودش کرد، اقدام علیه تمام کوشش‌هایش برای مربی شدن بود. فوتبال ایران در نسل جدید مربیان به نادر دست‌نشان و اکبر میثاقیان دیگری نیاز ندارد. آنها هنوز هستند و بازار کار خودشان را پیدا می‌کنند و مربیگری را با وقت‌کشی و اتهام‌تباری و محرومیت و برگشتن به تیم‌های در حال سقوط و زندگی حرفه‌ای بی‌محتوا در فوتبال ادامه می‌دهند. ساکت الهامی احتمالا نیامده تا جانشین جدید آنها باشد، آن هم در حالی که تیم بزرگی مثل تراکتور به او فرصت کار داده است. فرصت مربیگری با تقدیر و تشکر از زنوزی ساخته نمی‌شود، بلکه با اجرای ایده و فکر ساخته می‌شود. ساکت الهامی بعد از این باید نشان دهد که از کدام مسیرها و با چه ایده‌هایی می‌خواهد یک مربی مهم در فوتبال ایران باشد. این فینال و این فوتبال - که فوتبال نیست و آسمش فوتبال بازی نکردن است - گذشت. کار او در حالی که فرصت‌های بزرگ حالا پیش روی اوست، تازه آغاز می‌شود. از فردا اشکان دژاگه و حاجی صفی دیگری را به او تقدیم نمی‌کنند که برای فوتبال بازی نکردن، مربیگری کند.

ساکت الهامی و تراکتور با آن نمایش که هر چه از بازی گذشت شباهتش را به فوتبال از دست داد، فینال جام حذفی را به یک بازی بی‌شباهت به فینال تبدیل کردند. الهامی بیست سال یا بیشتر بی مربیگری ندیده بود که با این فوتبال اولین جام مربیگری‌اش را بالای سر ببرد. ساکت الهامی بعد از این فینال و بعد از این قهرمانی، بیش از همیشه مربی خواهد بود، بیش از همیشه به تیم‌های نگاه خواهند کرد، بیش از همیشه به او کارهای سخت‌تر می‌سپارند و در بازار مربیگری جایگاهی جدی‌تر خواهد داشت. کار او با این جام تازه شروع شده است. او سال‌های سختی را برای رسیدن به اولین جام در مربیگری گذراند اما حالا باید سال‌های سخت‌تری را برای مربی شدن بگذراند. تراکتور یک تیم از لیگ یک یا لیگ دو نبود که به فینال جام حذفی رسیده باشد. دو فصل پیش، داماش از لیگ ۲ به فینال جام حذفی رسید و نمایش داماش در فینال جذاب‌تر، جدی‌تر و صاحب‌شان بیشتر بود. داماش اگر چند بازیکن در قواره دژاگه، حاجی صفی یا شجاعی داشت، در فینال مقابل پرسپولیس چه بسا برنده از زمین بیرون می‌آمد اما بدون هیچ ستاره‌ای در فینال باخت و درخشید. بدیهی است که تراکتور به روش خود جام حذفی را برد و این قابل تحسین به نظر می‌رسد اما واقعیت این است که فوتبال و نمایش تراکتور تحسین‌برانگیز نبود. اشتباه نکنیم. تراکتور برای حفاظت از ۳ گل زده‌اش به بازی دفاعی روی نیابرد، بلکه برای گذراندن وقت و پایان دادن به بازی، لحظه لحظه بازی را فوتبال نکرد. دفاع، دفاع و دفاع، محافظت از گل‌های زده و کوشش برای حفظ نتیجه، حق تراکتور بود اما آنچه تراکتور نمایش داد، صحنه‌هایی از وقت‌کشی و هدر دادن

هم در سمتش ایفا خواهد شد. آیا قرار است تراکتور مقابل الهلال والدحیل طوری بازی کند که جوچه اردک زشت لیگ قهرمانان آسیا لقب گیرد؟ امیدوارم که جوابش «خیر» باشد.

۳- او، عقاب درونش را کم کرده

شکی نیست که سیدحسین حسینی مقصر شماره یک شکست استقلال بود؛ به طوری که سایر پسران آبی هم نتوانستند لغزش‌هایش را جبران کنند اما قبل از هر قضاوتی، باید به خاطر داشته باشیم که همین حسینی، سابقه ۸۷۲ دقیقه گل نخوردن متوالی در لیگ را دارد؛ آن هم نه یک دهه قبل، بلکه همین دو سال قبل. شماره یک آبی‌ها سن بالایی هم ندارد که بخوایم او را تمام شده بخوانیم. مشکل حسینی، فقدان مهارت نیست؛ بلکه فقدان انگیزه است. دروازه‌بان دوم گمنام استقلالی‌ها، جایگاه حسینی را تضمین کرده و او را اشیاع ساخته و حاصلش، همین بود که مجیدی در انتهای لیگ و حذفی برداشت کرد. اکنون هم فروش حسینی مرهم قفس توری آبی‌پوشان نیست؛ بلکه نوشداروی ارزان‌تری هم یافت می‌شود.

۴- بلندگوی نیما، جشن سعادت‌مند

با جمله «صد درصد می‌بریم» که از مدیرعامل استقلال نقل شد، تراکتور پیش از سوت آغاز فینال از آبی‌هایش افتاد. همانطور که بلندگوی پرزرق و برق نیما در لیسبون سرود قهرمانی پخش نکرد، تمام تدارکات جشن قهرمانی که سعادت‌مند پیش از انجام بازی وعده آنها را داد هم بی‌سرانجام ماندند. کادر مدیریتی تراکتور همین که وارد این کری‌خوانی‌های پوچ با رقیب مستقیمش نشد و حمایت کرد تا درون مستطیل سبز، شخصیت حرفه‌ای تیم رونمایی شود، هم شایسته قدرانی بود و هم شایسته بردن جام قهرمانی به موزه افتخاراتش. بهترین توصیف در این مورد را هم همین جمله بیان می‌کند: «برنده‌های بزرگ روی کسب پیروزی تمرکز می‌کنند و بازنده‌های بزرگ روی جشن پیروزی».

زیننده درون زمین، زنده خارج از زمین؛ این شاید دقیق‌ترین توصیف باشد از دیدار پایانی فصل پربین و خم فوتبال کشورمان. فصلی که با یک تعویق بیهوده آغاز شد، زیر سایه بحران اقتصادی باشگاه‌ها و جهانگیری کووید-۱۹ ادامه یافت و پرونده‌اش با یک لیخند به قرمزهای تهران و تبریز بسته شد. شرح حال فینال جام حذفی، آئینه آنچه بود که در لیگ نوزدهم بر ما گذشت و می‌تواند در فصل‌های آینده هم تکرار شود. البته اگر به این رخدادها ببیندیشیم و از آنها عبرت بگیریم، خواهیم توانست از تبدیل شدن آنها به روزمرگی‌های مسمم‌کننده فوتبال ایران جلوگیری کنیم.

۱- با دشمن فرضی گلاویز نشویم

پس از راهیابی استقلال به فینال حذفی، سرمربی پرسپولیس و مالک تراکتور هر دو از اراده‌ای که برای قهرمان ساختن استقلال وجود دارد، می‌گفتند. نه یحیی گل محمدی اشتباهات فنی محرز خود در شهرآورد ۹۳ را برعهده گرفت و نه محمدرضا زنوزی ضعف مدیریت تیمش در اجرای برنامه‌های درآمدت را به روی خودش آورد. قهرمانی تراکتور خط‌بطلانی بود بر تئوری پوچ توهم توطئه که اغلب باشگاه‌های داخلی هرگاه تلاش‌ها و هزینه‌های هنگفتشان برای موفقیت در تورنمنتی ناکام ماند، به آن چنگ می‌زنند. به یاد داشته باشیم که خطوط تولید دشمن فرضی اگر در اقتصاد و سیاست آورده‌ای نداشته‌اند، در ورزش نیز نتیجه‌ای بهتر از کاشتن باد و درود کردن توفان به بار نخواهند آورد.

۲- هزینه قطری، فوتبال بحرینی

ساکت الهامی را بابت فتح جام حذفی ستایش می‌کنیم اما بابت نمایش آهودلانه نیمه دوم شاگردانش، خیر. دلیلش هم روشن است. ۱۰، ۱۵ سال پیش، ائتلاف بی‌رویه وقت توسط بازیکنان بحرین و امارات را به سخره می‌گرفتیم اما اکنون یک نمونه در لیگ برتر داریم که با ثبت رکورد ۲۳ دقیقه فوت وقت در یک نیمه، اعراب را نیز به حیرت واداشته؛ آن هم تیمی که سه کاپیتان مجرب تیم ملی را در اختیار دارد. تراکتور سهمیه مستقیم آسیای سال بعد را گرفت و الهامی

۱۵، ۱۰ سال پیش
ائتلاف بی‌رویه وقت
توسط بازیکنان بحرین
و امارات را به سخره
می‌گرفتیم اما اکنون
یک نمونه در لیگ برتر
داریم که با ثبت رکورد
۲۳ دقیقه فوت وقت
در یک نیمه، اعراب را
نیز به حیرت واداشته